

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۲۵

نرگس گریوانی\*

## مهریه از دیدگاه مذاهب اسلامی

### چکیده:

فقه مقارن که عهده دار مقایسه میان مبانی و آرای فقهی مذاهب اسلامی است. می تواند مسلمانان را به یکدیگر نزدیک کند و اختلاف ها را کم کند. علمای امامیه به این نوع فقه توجه ویژه داشته و کتاب هایی نوشته اند.

در این نوشتار به یکی از مسائل کاربردی یعنی مهریه با رویکرد فقه مقارن پرداخته شده است. عمده به انعکاس نظر پنج مذهب مهم اسلامی یعنی امامیه، حنفیه، شافعیه، مالکیه و حنبلی پرداخته شده است. هرچند مذاهب دیگر اسلامی مانند زیدیه و اباضیه نیز حرف هایی در این زمینه دارند. تعریف مهر، اقسام مهر، اندازه و مقدار مهر، راه سنجش مهرالمثل، شرایط مهر، شیوه پرداخت مهر و بررسی و راه حل اختلافاتی که میان زوجین بر سر مسئله مهر به وجود می آید و برخی موضوعات مرتبط دیگر با مسئله مهر ... در این مقاله بررسی شده است و به اقوال و مذاهب یادشده (و گاه دلیل آنها) اشاره شده است.

**واژگان کلیدی:** مهر، زوجین، امامیه، حنابله، شافعیه، مالکیه، حنفیه.

## طرح بحث

صداق (به فتح صاد و به کسر آن) به معنای مهریه است که ریشه لغوی آن از صدق و صداقت است که بدین وسیله رغبت و صداقت زوج در ازدواج را با تقدیم مال و مهریه می‌رساند. معنای اصطلاحی مهریه عبارت است از مالی که برای زن در مقابل استمتاع از او ثابت می‌گردد چه در عقد نکاح و چه در وطیء به شبهه یا عقد فاسد. (الجزیری، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۱۶۱ و وزارتہ الاوقاف والشؤون الاسلامیه، ۱۴۲۳ق، ج ۳۹، ص ۱۵۱)

از نظر امامیه مهر صحیح هر چیزی است که قابل تملک باشد چه عین باشد یا منفعت. عقد بر اساس تعلیم یک حرفه یا سوره قرآن به زوجه و یا کار کردن زوج برای زوجه در مدت معینی صحیح است. (الجزیری، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۶۱) برای مهر ۹ اسم برشمرده‌اند مانند: مهر، صداق، صدقه، نخله، فریضه، اجر، علائق، عقر، حباء (وزارتہ الاوقاف والشؤون الاسلامیه، ۱۴۲۳ق، ج ۳۹، ص ۱۵۱)

مهریه یکی از حقوق زوجه است که بر اساس قرآن، سنت و اجماع مسلمانان، زن استحقاق آن را دارد و بر سه قسم است:

### مهرالمسمی

عبارت است از مهری که زن و شوهر در هنگام عقد آن را نام می‌برند و مشخص می‌کنند.

### مهرالمثل

عبارت است از مهری که هنگام عقد نامی از آنها برده نشده است و بعداً بر عهده زوج قرار می‌گیرد. (وزارتہ الاوقاف والشؤون الاسلامیه، ۱۴۲۳ق، ج ۳۹، ص ۱۵۳)

### مهر السنه

مهر السنه که پانصد درهم است. برخی از نوعی دیگر از مهر به نام مهر التفویض نام برده‌اند یعنی اگر تعیین مهریه به یکی از زوجین تفویض شود، همان مقدار ثابت می‌گردد به شرطی که از مهر السنه بالاتر نباشد. (حکیم، بی‌تا، ص ۵۵)



## الف. مقدار و اندازه مهر

نسبت به مقدار مهریه در ناحیه کثرت آن هیچ اختلافی نیست و هر چقدر بیشتر باشد می‌شود مهر زن قرارداد. خداوند می‌فرماید:

«و ان آرڈتم استیدال زوج ... شیاً» (نساء/ ۲۰)

اگر به این فکر هستید که همسری به جای همسر فعلی‌تان بگیریید و خرواری طلا به عنوان مهریه به او بدهید، حق ندارید چیزی از آن را از او پس بگیریید؛ اما در ناحیه قلت و کمی مهر بین فقهای مذاهب اختلاف است:

از نظر فقهای امامیه، شافعیه و حنفیه:

کم بودن مهر نیز (به مانند زیاد بودن مهر) حد و اندازه‌ای ندارد و هر چیز که بتواند ثمن معامله قرار گیرد و با آن داد و ستد شود، می‌تواند مهریه ازدواج قرار گیرد و لو یک تومان. اما مالکیه معتقد است:

کمترین حد مهریه ۳ درهم است و اگر مهریه ای کمتر از این مقدار معین گردد و ازدواج و دخول صورت گیرد، زوج باید سه درهم پرداخت کند ولی اگر دخول صورت نگرفته است، زوج اختیار دارد سه درهم را بدهد یا عقد را فسخ کرده و نصف درهم تعیین شده را به زوجه بپردازد. حنفیه می‌گوید:

کمترین مقدار مهریه ده درهم است و اگر عقدی به کمتر از ده درهم واقع شود، گرچه عقد صحیح است ولی باید ده درهم به عنوان مهریه بدهد. (وزاره الاوقاف والشئون الاسلامیه، ۱۴۲۳ق، ج ۳۹، ص ۱۶۰ و بی‌آزارشیرازی، ۱۳۹۱ش، ص ۵۶ و ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۴۱۲) با توجه به این که مهریه از ارکان عقد نیست (بلکه از آثار عقد است) حال اگر به دلایلی مقدار مهریه در عقد ذکر نشود و دخول صورت گیرد باید مهرالمثل پرداخت گردد.

موارد متعددی برای مهرالمثل در فقه معین شده است که اختلاف مذاهب در آنها مشاهده



می‌شود:

الف) اگر پیش از دخول زن را طلاق دهد، زن استحقاق مهریه را ندارد بلکه مهر المتعه ثابت می‌شود یعنی مرد به اندازه توانایی مالی خود هدیه‌ای به زن پرداخت می‌کند و اگر در این مورد اختلاف کردند، باید حاکم شرع آن را معین کند.

زیدیه نیز معتقدند اگر زنی را تزویج کند و مهری معین نکند در صورت دخول باید مهرالمثل را بدهد و اگر قبل از دخول، آن را طلاق دهد، مهری به زن تعلق نمی‌گیرد بلکه مهرالمتعه برای او ثابت می‌شود. (الشریف، ۱۴۱۷ق، ص ۳۳۴)

ب) به اعتقاد حنفیه و حنابله اگر یکی از زوجین پیش از دخول بمیرد، تمام مهرالمثل برای زن ثابت می‌گردد و حکم پس از دخول را دارد. (عبدالرحمن بن محمد بن سلیمان، ۱۴۱۹ق، ج ۱/ ص ۵۱۳)

ولی امامیه و مالکیه معتقدند مهریه ای وجود ندارد (الطوسی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۹۸)

اما شافعیه در مسئله فوق دو قول دارد: ۱) وجوب مهر ۲) عدم وجوب

ج) وطیء به شبهه (وطیء به شبهه آن است که مرد در واقع چنین حقی ندارد و جاهل به واقع است و به تصور اینکه همسرش هست با او جمع گردد. ملاک وطیء شبهه آن است که نزدیکی بدون ازدواج شرعی صورت گیرد ولی عذر شرعی داشته باشد) به اتفاق همه مذاهب موجب مهرالمثل می‌گردد.

مثلاً کسی با زنی ازدواج می‌کند در حالی که نمی‌داند خواهر رضاعی اوست و یا با زنی ازدواج و دخول می‌کند به صرف اینکه زن، وکیلی برای ازدواج خود تعیین کرده است یعنی مرد خیال کرده با صرف انتخاب وکیل از سوی زن، مباشرت حلال است.

د) از نظر امامیه، شافعیه و حنابله اگر کسی زنی را وادار به زنا نماید، پرداخت مهرالمثل بر او لازم است و اگر زن در این مورد اطاعت کند، مهریه‌ای ندارد.

ذ) اگر مردی با زنی به شرط نبودن مهر ازدواج کند به اتفاق همه مذاهب به جز مالکیه، عقد



صحیح است و مهرالمثل ثابت می‌گردد. مالکیه می‌گویند پیش از دخول عقد باطل است و بعد از دخول صحیح است و مهرالمثل ثابت می‌گردد.

ه) امامیه و حنفیه می‌گویند اگر عقدی فاسد باشد و مهریه در آن تعیین شده باشد و دخول صورت گرفته باشد، در صورتی که مهریه کمتر از مهرالمثل باشد همان پرداخت می‌شود - چون زن راضی به آن بوده است و اگر بیشتر از مهرالمثل باشد به زن مهرالمثل پرداخت می‌گردد. (مغنیه، بی تا، ص ۳۴۳)

### ۱. راه سنجش مهر المثل

از نظر حنفیه:

اگر خواستیم برای زنی مهرالمثل معین کنیم باید این خانم با زنان مثل خودش از خانواده و طائفه پدرش - نه مادرش - سنجیده شود از نظر مالکیه با زنان همانند او از نظر صفات جسمی و بدنی و روحی (خُلُق و خُلُق) مقایسه می‌گردد.

شافعیه می‌گویند:

با زنان فامیل و بستگانش مثل زن برادر و زن عمو و خواهرش سنجیده می‌شود؛ اما حنابله می‌گویند بر عهده حاکم شرع است که مهرالمثل این خانم را در مقایسه با زنان خویشاوندش مثل مادر و خاله تعیین کند. (وزارت الاوقاف والشؤون الاسلامیه، ۱۴۲۳ق، ج ۳۹، ص ۱۵۳)

امامیه در این باره معتقدند:

مهرالمثل دارای اندازه و مقدار معینی در شرع نیست، بنابراین تعیین مهرالمثل بر عهده عرف و کسانی است که آگاه به وضعیت و شخصیت زن از نظر حسب و نسب‌اند. آنها باید مهر را تعیین کنند ولی مشروط به اینکه از مقدار مهر السنه یعنی ۵۰۰ درهم تجاوز نماید. (طوسی، ۱۴۰۸ق،

ص ۲۹۵)



## ۲. شرایط مهریه

۱- دارای ارزش مالی و معلوم باشد. هر چیزی که دارای ارزش است می تواند مهریه قرار گیرد، پول نقد، زمین، منفعت، کالای تجاری اما باید مهریه یا به صورت کامل معلوم و مشخص باشد «مثلاً بگوید یک میلیون تومان» یا به صورت اجمال معلوم باشد مثلاً بگوید این قطعه طلا یا این قطعه زمین را مهر تو قرار دادم.

اما در صورتیکه از همه لحاظ مجهول و کامل باشد و به هیچ وجه نتوانیم آن را قیمت گذاری کنیم. به نظر همه مذاهب فقهی - به جز مالکیه - عقد صحیح و مهریه باطل است.

اما به نظر مالکیه عقد پیش از دخول نیز باطل است و اگر دخول صورت گرفته است عقد صحیح است و باید مهرالمثل را پرداخت کرد. (وزاره الاوقاف والشؤون الاسلامیه، ۱۴۲۳ق، ج ۳۹، ص ۱۵۶ و الجزیری، ۱۴۱۹ق، ج ۴، صص ۱۶۲ و ۱۶۹ و طوسی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۹۵)

### ۲- حلال و پاک باشد

یکی از شرایط مهریه حلال و پاک بودن است تا انتفاع به آن صحیح باشد. (الجزیری، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۱۶۳) بنابراین نمی توان گوشت خوک یا مردار و شراب و هر چیزی که تملک آن شرعاً صحیح نیست، مهریه زن قرار داده شود.

در اینجا مالکیه نیز می گویند: قبل از دخول عقد فاسد است و پس از دخول، عقد صحیح است و باید مهرالمثل پرداخت گردد اما دیگر مذاهب و اکثر امامیه و مذاهب معتقدند عقد صحیح است و باید مهرالمثل پرداخت گردد؛ اما دیگر مذاهب و اکثر امامیه معتقدند عقد صحیح است و پرداخت مهرالمثل واجب است. گروهی دیگر از امامیه پرداخت مهر را در صورت دخول لازم دانسته اند.

### ۳- مهریه نباید غصبی باشد. (الجزیری، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۱۶۸)

اگر مهریه مال غصبی قرار گیرد، از نظر مالکیه اگر قبل از دخول معلوم گردد، عقد باطل



است گیرد و بعد از دخول مهرالمثل ثابت است.

شافعیه و حنابله می‌گویند:

عقد صحیح است و مهرالمثل ثابت است. امامیه و حنفیه عقد را در هر صورت صحیح می‌دانند و نسبت به مهریه می‌گویند اگر مالک آن عین غصبی، اجازه دهد همان شیء مهر قرار می‌گیرد و اگر اجازه ندهد، در مورد اشیای مثلی، (مانند گندم) مثل و در قیمی (مانند اتومبیل و زمین) پرداخت قیمت به زن لازم است.

«اذا سَمِيَ لَهَا مَهْرًا مَغْضُوبًا كَمَا لَوْ تَزَوَّجَهَا بِعِقَارٍ ظَهَرَ أَنَّهُ لَا يَبِيهُ أَوْ لَغَيْرِهِ فَاِنْ أجازَ الْمَالِكُ فَلَهَا الْمُسَمَى بِالذَّاتِ وَ أَلَّا ثَبِتَ لَهَا عَوْضُ الْمُسَمَى مِنَ الْمَثَلِ أَوْ الْقِيمَةِ...» (مغنیه، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۲۷۸)

### ۳. شیوه پرداخت مهریه (نقد و نسیه)

همه مذاهب اتفاق دارند که می‌شود همه‌ی مهر یا بعضی از آن را به صورت نقد یا نسیه به زوجه داد. در صورتی که مدت زمان مشخص و معلوم باشد. مثلاً مرد به همسرش بگوید با ده سکه تمام بهار آزادی ازدواج می‌کنم که ۵ عدد آن را نقد و ۵ عدد دیگر را در مدت شش ماه پرداخت کنم. یا آن که به صورت مجمل معلوم باشد یعنی بگوید مهریه را تا زمان مرگم یا طلاق پرداخت می‌کنم (البته شافعیه این گونه تعیین مدت را قبول ندارند)

بنابر سخن فوق اگر مدت، مجهول باشد این مدت باطل است مثلاً بگوید مهریه را تا زمانی که مسافرم از سفر بازگردم به تو می‌دهم.

### ۴. تعیین مهریه بدون ذکر نقدی یا نسیه

در صورتی که مهریه مشخص شود ولی حرفی از نقد یا نسیه بودن به میان نیامده باشد، به نظر امامیه و حنابله، تمام مهریه به صورت نقدی و بدون مدت خواهد بود ولی به عقیده حنفیه باید به عرف مراجعه کرد تا آنها بگویند چه مقدارش نقدی و چه مقدارش نسیه خواهد بود.



هچنین به نظر حنفیه اگر مهریه را مدت دار بیان کند ولی مدت را نگوید مثلاً بگوید نصفی از مهریه نقد و نصفی نسبه است (اما مدت را معین نمی کند) در اینجا نیز مدت باطل است و تمام آن باید نقدی پرداخت شود. (وزاره الاوقاف والشئون الاسلامیه، ۱۴۲۳ق، ج ۳۹، ص ۱۶۶ و حکیم، ۱۳۸۰ش، ص ۵۶ و مغنیه، بی تا، ص ۳۴۴ و الجزیری، ۱۴۱۹ق، صفحه ۲۱۵)

حنابله می گویند:

در صورت معین نکردن مدت مهریه مدت آن، زمان مرگ یا طلاق خواهد بود. مالکیه معتقد است که عقد ازدواج باطل است، پیش از دخول، عقد فسخ می شود و بعد از دخول، باید مهرالمثل را بدهد.

نظر شافعیه این است که:

اگر مدت، تفصیلاً مشخص نباشد بلکه اجمالاً معلوم باشد مثلاً شوهر بگوید مهریه ات را در یکی از این دو مدت می دهم. مهریه باطل است و باید مهر المثل را بدهد. (مغنیه، بی تا، ص ۳۴۴ و وزاره الاوقاف والشئون الاسلامیه، ۱۴۲۳ق، ج ۳۹، ص ۱۶۶)

## ۵. شرط پدر نسبت به تملک برخی از مهریه

آیا پدر می تواند شرط کند که بخشی از مهریه دخترش مال او می باشد؟ از نظر حنفیه و حنابله آری چنین شرطی صحیح است و باید به آن عمل نمود.

شافعیه می گوید خیر، مهریه باطل و مهرالمثل ثابت می شود.

مالکیه می گوید:

اگر این شرط هنگام ازدواج بوده، تمام مهریه مال زن است (حتی همان مقداری که پدر برای خودش معین نموده است) و اگر پس از ازدواج باشد مربوط به دختر است.

امامیه می گوید:

«لو سمی مهراً و لایبها شیئاً معیناً کان لها المهر المسمی و سقط ما عینة للاب» یعنی در





فرض فوق، همه مهر متعلق به دختر است و پدر هیچ سهمی ندارد. (مغنیه، بی تا، ص ۳۴۵)

## ۶. زمان دریافت مهریه و اختلاف بر سر آن

زن می تواند به مجرد انشای صیغه عقد، تمام مهریه را از شوهر مطالبه کند و نیز این حق را دارد که تا زمان دریافت مهریه از تمکین خودداری بورزد و اگر پیش از دریافت مهریه تمکین کرد، دیگر نمی تواند از تمکین امتناع کند.

مطلب فوق مورد اتفاق همه مذاهب به جز ابوحنیفه است که می گوید پس از تمکین نیز می تواند امتناع کند تا مهریه اش را بگیرد.

همچنین زن پیش از گرفتن مهریه و تمکین، استحقاق نفقه را دارد و بر شوهر پرداخت آن لازم است. ولی اگر پس از دریافت مهریه یا پس از تمکین، مجدداً از تمکین خودداری نماید، استحقاق نفقه را ندارد. البته حنفیه این را قبول ندارند.

در صورتی که زوجه نابالغ باشد و صلاحیت هم بستر شدن نداشته باشد، ولی دختر مهریه را از شوهر درخواست می کند و لازم نیست تا زمان بلوغ دختر صبر کند؛ و نیز اگر زوج نابالغ باشد زن می تواند مهریه خود را از ولیّ زوج مطالبه کند و لازم نیست تا زمان بلوغ انتظار کشد.

اگر زوجین با هم دعوا و نزاع کنند؛ زن بگوید تمکین نمی کنم تا مهریه را بدهید و شوهر هم بگوید مهریه را نمی دهم تا تمکین کنی، در اینجا به نظر امامیه و شافعی باید مهریه را در اختیار فرد امینی قرار دهند و زن را به اطاعت فرا خواند اگر تمکین کرد مهریه را او می دهد و نیز نفقه را مستحق می شود و اگر اطاعت و تمکین نکرد، مهریه را به او نمی دهد و نفقه ساقط می گردد؛ و اگر شوهر امتناع از پرداخت کرد، او را ملزم به پرداخت می نمایند. (الجزیری، ۱۴۱۹ق: ص ۲۲۲ و الطوسی، ۱۴۰۸ق: ص ۲۹۶)

حنفیه و مالکیه قائلند:

پرداخت مهریه توسط زوج، مقدم بر تمکین جنسی است و مرد نمی تواند بگوید تا تمکین



نکنی مهریه را نمی‌دهم؛ و اگر زن مهریه را بگیرد و تمکین نکند، مرد حق پس گرفتن مهریه را ندارد. (مغنیه، بی تا: ص ۳۴۵)

حنابله معتقدند:

ابتدا باید مرد را وادار به پرداخت مهریه کرد (مانند نظر حنفیه) ولی اگر پس از پرداخت، زن امتناع از تمکین کرد، شوهر می‌تواند مهریه را از او پس بگیرد. (وزاره الاوقاف والشئون الاسلامیه، ۱۴۲۳ق: ج ۳۹، ص ۱۷۰)

### ۷. ناتوانی زوج از پرداخت مهریه

از نظر امامیه و حنفیه در صورتی که مرد از پرداخت مهریه ناتوان گردد، زن به هیچ وجه نمی‌تواند ازدواج را فسخ کند و قاضی هم حق طلاق دادن ندارد. بلکه زن می‌تواند تمکین نکند و بدون اذن مرد به سفر برود. (مغنیه، بی تا، ص ۳۴۶ و الجزیری، ۱۴۱۹ق: ص ۲۲۵ و مغنیه، ۱۴۲۰ق: ج ۵، ص ۲۸۷)

مالکیه قائل است:

اگر دخول نشده، قاضی مدت زمانی را به شوهر مهلت می‌دهد، اگر ناتوانی مرد از پرداخت هنوز ادامه داشته باشد قاضی زن را طلاق می‌دهد یا زن خودش را طلاق می‌دهد و قاضی حکم به صحت طلاق می‌کند و اما اگر دخول صورت گرفته باشد، زن حق فسخ ازدواج را ندارد. (الجزیری، ۱۴۱۹ق: ص ۲۲۵)

شافعیه می‌گویند:

اگر اعسار و ناتوانی مرد ثابت شود و دخولی صورت نگرفته است، زن حق فسخ دارد و الا یعنی اگر دخول شده باشد زن حق فسخ ندارد.

حنابله می‌گویند:

اگر زن پیش از ازدواج، آگاه از ناتوانی مرد نبوده است حق فسخ دارد هر چند دخول شده باشد



ولی اگر از قبل می دانسته که شوهرش عاجز از پرداخت مهریه است حق فسخ ندارد و تنها حاکم می تواند فسخ کند. (مغنیه، بی تا: ص ۳۴۶)

## ب. مهریه و انواع نزدیکی

سبب نزدیکی مرد با زن می تواند یکی از سه چیز باشد:

زنا؛ اگر زنی بداند که این عمل زنا است ست و انجام دهد استحقاق مهریه و نفقه را ندارد بلکه حدّ زنا بر او جاری می شود.

از نظر زن علت دخول، شبهه و توهم حلال بودن است. مثلاً فکر می کرده این مرد بر او حلال است ولی بعد معلوم شده که حرام است. در این صورت مهرالمثل به زن تعلق می گیرد و حدّ از زن ساقط می شود. چه مرد عالم به حرمت باشد یا جاهل.

ازدواج شرعی؛ در این قسم اگر مهریه به صورت صحیح مشخص و تعیین گردد به زن تعلق می گیرد و اگر مهریه در عقد ذکر نشود یا به صورت صحیح معین گردد، مهرالمثل به زن تعلق می گیرد. (مغنیه، بی تا: ص ۳۴۷)

## ۱. پدر و مهریه عروسی

شافعیه و مالکیه می گویند:

اگر پدری، برای پسر فقیر خود (ولو بزرگ باشد و وکالتاً) زن بگیرد مهریه را باید از پدر مطالبه کنند و اگر پدر قبل از پرداخت مهریه بمیرد، لازم است که این پول از اصل ترکه و میراث او پرداخته شود چون در واقع او مدیون است.

در مقابل قول فوق، حنفیه معتقدند، مهریه بر عهده پدر نیست؛ چه پسر فقیر باشد یا پولدار، بزرگ باشد یا کوچک.

امامیه می گوید: اگر پسر صغیر اموالی داشته باشد و پدرش او را تزویج کند، مهریه از مال پسر



پرداخت می‌شود و چیزی بر عهده پدر نمی‌باشد ولی اگر در هنگام عقد، پسر مالی نداشته باشد، مهریه بر عهده پدر است ولو آن که پسر در آینده ثروتمند شود.

## ۲. وضعیت مهریه در صورت قتل شوهر

اگر زن قبل از دخول، شوهر خود را به قتل برساند، طبق نظر شافعیه، مالکیه و حنابله تمام مهر ساقط می‌گردد و شوهر بدهکار نمی‌باشد.

ولی امامیه و حنفیه قائل‌اند که مهریه زن ساقط نمی‌شود اگر چه ارثی از شوهر مقتول نخواهد برد. (مغنیه، بی تا، ص ۳۴۸ و وزارت الاوقاف والشؤون الاسلامیه، ۱۴۲۳ق: ج ۳۹، ص ۱۷۳)

## ۳. خلوت (آیا خلوت زوجین موجب ثبوت مهریه می‌شود؟)

ابتدا باید مراد از خلوت را بیان شود:

خلوت واقعی و صحیح آن است که زن و شوهر در مکانی که از اطلاع دیگران در امان هستند جمع شده و هیچ مانعی برای نزدیکی آن دو وجود ندارد.

حال در پاسخ به سوال فوق باید گفت:

ملاک در ثبوت مهریه، دخول و نزدیکی است و خلوت کردن مرد با زن نسبت به مهریه و نفقه تأثیری ندارد. این نظریه شیعه و اکثر امامیه است.

حنابله و حنفیه می‌گویند:

خلوت کامل، موجب تاکید مهریه و اثبات نسب می‌گردد و در صورت طلاق، عده نگه داشتن را لازم می‌کند ولو دخول واقعی صورت نگرفته باشد. جالب‌تر آنکه حنفیه گفته‌اند حتی نگاه شهوت آلود و تماس و یا بوسیدن زن، - بدون خلوت تا چه رسد به دخول - مهر را ثابت می‌کند و این کارها به منزله نزدیکی است.

نظر مالکیه این است:

اگر خلوت طولانی صورت گیرد مهریه بر عهده مرد ثابت می‌شود ولو دخول نکرده باشد. (مغنیه، بی‌تا، ص ۳۴۸ و وزاره الاوقاف والشئون الاسلامیه، ۱۴۲۳ق: ج ۳۹، ص ۱۷۴ و بی‌آزار شیرازی، ۱۳۹۱ش: ص ۵۷ و ابن عبدالبرّ، ۱۴۱۲ق: ج ۴، ص ۴۳۶)

#### ۴. ثبوت نصف مهریه

در صورتی که عقد با ذکر مقدار مهریه جاری شود و سپس مرد پیش از دخول، (یا پیش از خلوت بنا بر مبنای کسانی که خلوت را ملاک معتبر می‌دانستند) زن را طلاق دهد، به اتفاق همه مذاهب فقط نصف مهر بر عهده شوهر است. آیه ۲۳۷ سوره بقره صریح در این مطلب است:

«و ان طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ اَنْ تَمْسُوهُنَّ وَ قَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ»

اگر قبل از تماس جنسی، زانتان را طلاق بدهید، در صورتی که برایشان مهریه‌ای مشخص کرده اید، واجب است نصفش را به آنها بدهید.

در صورتی که شوهر چیزی از مهریه تعیین شده را پرداخت نکرده باشد و قبل از دخول زن را طلاق دهد باید نصف مهریه را به زن بدهد و اگر قبلاً همه مهر را داده است، در صورت باقی ماندن مهر، نصف آن به شوهر عودت داده می‌شود و اگر از بین رفته باشد نصف بدل آن پرداخت می‌شود یعنی اگر مهریه مثلی بوده، مثل آن و اگر قیمی بوده، قیمت آن برگردانده می‌شود.

و اما در صورتی که در اصل عقد، مهریه ای ذکر نشود و پس از عقد بر مهریه ای توافق نمایند و سپس قبل از دخول، طلاق صورت گیرد حکم مسئله چیست؟ نصف مهریه توافقی یا مهرالمتعه؟ به نظر شافعیه و امامیه باید نصف مهریه توافقی پس از عقد، پرداخت گردد. (مغنیه، بی‌تا، ص ۳۴۸ و وزاره الاوقاف والشئون الاسلامیه، ۱۴۲۳ق: ج ۳۹، ص ۱۷۷)

#### ۵. اختلاف زن و شوهر

گاهی ممکن است میان زن و شوهر بر سر مسائلی اختلاف به وجود آید که در سرنوشت مهریه تأثیر گذار است. در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌گردد:



۱- اگر زوجین در اصل دوخول و مباشرت دچار اختلاف شوند به نظر حنفیه اگر زن بگوید با او نزدیکی یا خلوت صورت گرفته و شوهر انکار کند، گفتار زن مقدم است چون زن منکر سقوط نصف مهریه است.

مالکیه می‌گوید:

اگر در خانه مرد ملاقات صورت گرفته باشد، پس از سوگند زن، ادعایش تصدیق می‌شود. ولی اگر این ملاقات در خانه زن رخ داده و زن مدعی مباشرت و مرد منکر آن باشد، گفتار مرد با سوگند مقدم است؛ و اگر ملاقات در خانه شخص سوم صورت گرفته است، گفتار مرد (یعنی انکار دخول و مباشرت) مقدم است.

به نظر شافعیه:

قول مرد مقدم است اما امامیه معتقدند در صورت اختلاف در مباشرت، قول منکر مباشرت مقدم است چه زن باشد و چه مرد. (مغنیه، بی‌تا، ص ۳۵۲ و الجزیری، ۱۴۱۹: ج ۴، ص ۲۲۸ و حکیم، بی‌تا: ص ۵۹)

۲- اگر زوجین در اصل ذکر مهریه با هم اختلاف کنند، یکی بگوید عقد ما همراه با ذکر مهریه بوده است و دیگری بگوید نامی از مهریه به میان نیامده است، در اینجا کسی که مدعی ذکر مهریه است باید دلیل بیاورد و منکر باید قسم بخورد. این نظر حنفیه و امامیه است. (وزاره الاوقاف والشئون الاسلامیه، ۱۴۲۳ق: ج ۳۹، ص ۱۹۸ و مغنیه، بی‌تا: ص ۳۵۳)

اگر مدعی ذکر مهریه زن باشد و نتواند بیینه اقامه کند و مرد منکر باشد، مرد قسم می‌خورد که اسمی از مهریه برده نشده است و اگر دخول صورت گرفته باشد مهرالمثل پرداخت می‌شود، به شرطی که مقدار مهرالمثل از ادعای زن بیشتر نباشد.

به نظر شافعیه:

در مسئله فوق هر دو مدعی و هر دو منکرند بنابراین اگر یک طرف اقامه بیینه کرد و طرف دیگر



نتوانست بیینه بیاورد، به نفع صاحب بیینه حکم می شود و اگر هر دو به بیینه آوردند یا هر دو نتوانستند بیینه بیاورند، هر دو قسم می خورند و مهرالمثل ثابت می شود. (وزاره الاوقاف والشئون الاسلامیه، ۱۴۲۳ق: ج ۳۹، ص ۱۹۸ و مغنیه، بی تا: ص ۳۵۳)

۳- اگر زن و شوهر در اصل ذکر مهریه متفق بودند ولی در مقدار آن اختلاف داشتند، به نظر حنابله و حنفیه گفتار هر کس که موافق با مقدار مهرالمثل باشد، مقدم می گردد. اینجا نیز شافعیه می گوید:

هر دو مدعی هستند و اگر یکی دارای بیینه نباشد، هر دو سوگند می خورند و مهرالمثل ثابت می شود.

اما امامیه و مالکیه می گویند:

اگر زن مدعی باشد، باید بیینه بیاورد و اگر شوهر منکر است باید سوگند یاد کند.

۴- اگر زن و شوهر در گرفتن مهریه اختلاف کنند، مثلاً زن بگوید نگرفته ام و شوهر بگوید من به او پرداخت کردم، به عقیده امامیه، شافعیه و حنابله قول زن مقدم است چون منکر است و مرد که مدعی است باید بیینه بیاورد.

ولی حنفیه و مالکیه می گویند:

اگر پیش از دخول اختلاف کنند قول زن مقدم است و اگر بعد از دخول باشد قول شوهر مقدم است. (مغنیه، بی تا، ص ۳۵۴ و وزاره الاوقاف والشئون الاسلامیه، ۱۴۲۳ق، ج ۳۹، ص ۲۰۰)

۵- اگر هر دو نفر در اصل گرفتن اتفاق دارند ولی زن می گوید به عنوان هدیه بوده و مرد می گوید به عنوان مهر دادم حکم چیست؟ به نظر امامیه و حنفیه:

گفتار مرد مقدم است چون اختلاف در نیت و قصد مرد است و مرد بهتر از دیگران آگاه است که چه نیتی کرده است پس باید قسم بخورد تا ادعایش پذیرفته شود و زن باید برای اثبات ادعای خود -



هدیه بودن - بینه بیاورد. (مغنیه، بی تا، ص ۳۵۴ و وزارة الاوقاف والشئون الاسلامیه، ۱۴۲۳ق: ص ۲۰۵ و الجزیری، ۱۴۱۹ق: ج ۴، ص ۲۳۶)

شایان ذکر است که مسائل مربوط به مهر و جزئیات آن و اختلافات زوجین و ذکر فتاوی مذاهب اسلامی در این موضوع بسیار گسترده و زیاد است که پرداختن به آنها از عهده این مقاله خارج است و ما در این مقاله به همین مقدار اکتفا می‌کنیم.



## نتیجه بحث

از طریق فقه مقارن و تطبیقی می‌توان به گستره فقه و اختلافات فقهی بین مذاهب اسلامی پی‌برد و نیز گام‌هایی برای اتحاد و نزدیک تر شدن مبانی فقهی برداشت. موضوع مهریه که یکی از صدها موضوع باب نکاح است از موضوعات چالش برانگیز است که حل مسائل آن به درستی می‌تواند باب بسیاری از اختلاف‌های خانوادگی را ببندد.

با بررسی بخش عمده‌ای از مسائل مربوط به مهریه و بررسی اقوال مذاهب معروف اسلامی همانند امامیه، حنابله، مالکیه، حنفیه و شافعیه پی به اختلاف عمیق میان اقوال فقه‌های این مذاهب رسمی بردیم - فارغ از دیگر مذاهبی همچون زیدیه و اباضیه - گرچه در برخی از مسائل و موضوعات آن گاه اتحاد و هم‌قولی میان دو یا سه مذهب فقهی مشاهده می‌شود.

در اصل لزوم وجود مهر در ازدواج و تعریف اقسام آن و یقین مقدار مهر از جهت کثرت و برخی شرایط آن پرداخت نقدی یا نسبه مهریه ظاهراً اختلافی نیست ولی در بسیاری دیگر از موارد مربوط به مهر شاهد اختلاف فتاوی فقه‌های مذاهب یاد شده می‌باشیم.





مثلاً اندازه كمتريه مهريه چيست؟ چه زماني مهراثل ثابت است؟ راه سنجش مهراثل و مقدار آن چيست؟ زمان دريافت مهريه چه موقع است؟ آيا پدر مالك مهريه است؟ اگر زوج ناتوان از پرداخت مهريه باشد حكم عقد چيست؟ آيا خلوت موجب سقوط مهريه مي شود؟ معنای خلوت چيست؟ در چه صورت نصف مهريه ثابت است؟ در صورت اختلاف ميان زوجين بر سر مهريه حكم مسئله چيست؟ و ...

اينها نمونه اي از مسائلي است كه پيرامون آن مذاهب خمسہ اسلامي اختلاف دارند. به نظر مي رسد دليل و ريشه اين اختلاف ها دور شدن از اسلام واقعي و مكتب اهل بيت و روي آوردن به قياس و استحسان است. چنين به نظر مي آيد كه نوع فتاوي و نظرات فقهاي اماميه در مورد مسائل ياد شده معقول تر و به كتاب و سنت پيامبر اقرب است.

## منابع و مأخذ

✽ قرآن كريم

۱. ابن عبد البر، الاستذكار، چاپ اول، بيروت، دار احياء التراث العربي، ۱۴۱۲ق، ۲۰۰۱ م.
۲. ابي جعفر الطوسي المعروف بابن حمزه، الوسيله الي نيل الفضيله، چاپ اول، قم، نشر مكتبه آيه الله العظمى المرعشي النجفي، ۱۴۰۸ق.
۳. بي آزار شيرازي، عبدالكريم، الفقه المقارن ۲، چاپ اول، تهران، شوراي برنامه ريزي موازي علوم ديني اهل سنت، ۱۳۹۱ش.
۴. الجزيري، عبدالرحمن و غروي، سيد محمد و مازح، شيخ ياسر، الفقه على المذاهب الاربعه و مذهب اهل البيت، چاپ اول، بيروت، دارالتقليين، ۱۴۱۹ق، ۱۹۹۸ م.
۵. حكيم، محمد تقى، الاصول العامه الفقه المقارن، بيجا، بينا، بي تا .



۶. ربانی، محمد حسن، مدخلی بر دانش فقه مقارن، چاپ اول، بیجا، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۸۰ ش.
۷. رضوانی، علی اصغر، فقه مقارن (مقایسه ای بین فقه امامیه و فقه اهل سنت)، چاپ اول، قم، ذوی القربی، ۱۳۸۷ ش.
۸. السیدالشریف، المرتضی، مسائل الناصریات، تهران، نشر رابطه الثقافه و العلاقات الاسلامیه، ۱۴۱۷ ق، ۱۹۹۷ م
۹. عبدالرحمن بن محمد بن سلیمان، مجمع الانهر فی شرح ملتقی الابر، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ق، ۱۹۹۸ م
۱۰. عظیمی گرکانی، هادی، فقه مقارن ۱ و ۲، چاپ اول، تهران، انتشارات تکرنگ، ۱۳۸۷ ش.
۱۱. مغنیه، محمد جواد، الفقه علی المذاهب الخمسه، چاپ اول، بیجا، بینا، بی تا.
۱۲. ....، فقه الامام جعفر الصادق، المراجعة و التصحیح: دار الاعتصام، چاپ اول، قم، نشر مؤسسه انصاریان، ۱۴۲۰ ق، ۱۹۹۹ م.
۱۳. وزاره الاوقاف و الشؤون الاسلامیه، الموسوعه الفقهیه، چاپ دوم، کویت، بینا، ۱۴۲۳ ق، ۲۰۰۵ م.

